

کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول

جمشید نوروزی*

فاطمه معزی**

چکیده

باتوجه به هم‌جواری تاریخی ایران و هند و قدمت روابط سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آن‌ها همواره شماری از ایرانیان و هندیان در سرزمین‌های یکدیگر حضور داشتند و در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی فعالیت می‌کردند. در این پژوهش تاریخی با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده‌های اسناد و منابع سیر حضور و اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت ایران از اواخر عهد قاجاریه تا پایان سلطنت پهلوی اول و پی‌آمدهای آن بررسی می‌شود. در این نوشتار این موضوع بررسی می‌شود که حضور و اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت ایران چرا و چگونه صورت گرفته و چه پی‌آمدهایی در جامعه ایران به‌جا گذاشته است؟ یافته‌ها بیان‌گر آن است که ورود کارگران هندی به صنعت نفت ایران و استمرار حضور آنان به‌علت عواملی چون سیاست مدیران بریتانیایی شرکت نفت ایران و انگلیس برای استفاده از نیروی کار متخصص و ارزان و نیز تأمین منافع اقتصادی بریتانیا بوده است. این امر باعث شده است کارگران هندی که با گذر زمان در جایگاه یک اقلیت در نواحی‌ای چون خوزستان مستقر شدند، ضمن حفظ برخی مظاهر فرهنگی و آداب و رسوم خود، تأثیرهای اندک فرهنگی و زبانی در این مناطق به‌جای گذارند.

کلیدواژه‌ها: ایران، بریتانیا، قاجار، کارگر هندی.

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، njamshid1346@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه پیام‌نور، fatooli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

۱. مقدمه

پیشینه ارتباطات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایرانیان و هندیان و سابقه حضور هندی‌ها در ایران بسیار طولانی است. در زمینه قدمت این مناسبات گسترده اگر نخواهیم از دوران باستان سخن بگوییم، اشاره به دوران صفویه کفایت می‌کند که این امر در مقاله‌ها و کتاب‌های بعضی پژوهش‌گران داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین، در برخی از سفرنامه‌ها و منابع اصلی به‌جامانده از دوره حکومت صفویه (۹۰۷-۱۱۳۵ ق)، مطالب و شواهد درخور توجهی برای مناسبات ایرانیان و هندیان دیده می‌شود. باوجود اختلاف‌ها و جنگ‌های معدود میان حکام ایران و شبه‌قاره هند، به دلایلی چون رونق مناسبات اقتصادی و امنیت راه‌ها شمار قابل توجهی از تجار هندی در ایران و شماری از تجار ایرانی در شبه‌قاره هند حضور داشتند (نوروزی و رضانی ۱۳۹۴: ۱۶۵).

مراکز استقرار تجار هندی در قلمرو ایران عصر صفوی پراکنده بود، اما بیش‌ترین تجمع آن‌ها در اصفهان و شهرها و بنادر جنوبی بود. کمپفر (E. Kaempfer) در سفر خود به ایران، که در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) انجام گرفته است، تعداد هندی‌های مقیم اصفهان را حدود ده هزار نفر برآورد می‌کند (کمپفر ۱۳۶۰: ۵۷، ۱۹۷). حضور جمعیت‌هایی به این میزان در پایتخت صفویه نشان می‌دهد که آنان برای زیست اجتماعی از آزادی عمل نسبی برخوردار بودند. هم‌چنین، به نظر می‌رسد، هندی‌های مقیم اصفهان عناصری از مظاهر فرهنگی و سبک زندگی خویش را حفظ کرده بودند. افزون‌براین، آن‌ها با کم‌ترین مزاحمت و دردسر در کنار اقلیت‌های دیگر کسب‌وکار می‌کردند (سیلوا ای فیگروا ۱۳۶۳: ۳۲۶).

مقر مهم دیگر تجار و مهاجران هندی در ایران بندرعباس بود. هندی‌های مقیم این بندر به دو گروه مورهای مسلمان و بانیان بت‌پرست تقسیم می‌شدند. گروه دوم، در کنار اشتغال به امور اقتصادی چون تجارت و دلالتی، ظاهراً آداب و سنن قومی خود را به‌جا می‌آوردند (بازماندگان خمیری ۱۳۹۰: ۲۸۶). به‌نوشته کمپفر (۱۳۶۰: ۱۹۷): «این‌ها همه طبق رسوم و آیین خاص خود زندگی می‌کنند و حق دارند لباس خاص خود را بپوشند، به زبان خود سخن بگویند و از دین خود پیروی کنند». این مهاجران برای برگزاری مراسم اعیاد خود محلی خاص داشتند (همان: ۲۱۹)؛ البته گاه، به عللی چون وارد کردن ضررهایی به اقتصاد ایران، مورد تهاجم قرار می‌گرفتند. حتی زمانی فرمانی برای شکستن بت‌های معابد آن‌ها صادر شد، اما این قبیل فرمان‌ها و برخوردها آن‌قدر تکرار نمی‌شد که باعث شود شمار

کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول ۲۰۹

قابل توجهی از آنان ایران را ترک کنند (حسینی ۱۳۵۲: ۵۴۱). به غیر از تجار، مندرجات برخی تحقیقات منتشره (جعفریان ۱۳۷۹: ۸۰۰) از حضور بردگان و کنیزان هندی در این دوره تاریخی سخن می گویند.

بعد از سقوط صفویه، به علت هرج و مرج و ناامنی حاکم بر ایران، زمینه مناسب استمرار فعالیت تجار هندی تا حدود زیادی از میان رفت و بسیاری به موطن خویش بازگشتند. با وجود بازگشت تجار هندی از ایران، دیگر گروه‌های اجتماعی چون کارگران هندی در مناطق جنوبی ایران کمابیش حضور داشتند. با این که اطلاعاتی مفصل درباره گروه اخیر در دست نیست، به نظر می رسد که بخشی از کارگران هندی در اموری مانند بازرگانی، ماهی گیری، و کشتی رانی به کار اشتغال داشتند.

به دنبال اکتشاف نفت در ایران، در سال ۱۳۲۱ ق/ ۱۲۸۲ ش/ ۱۹۰۳ م زمینه حضور و اشتغال گروهی دیگر از هندی‌ها در صنعت نفت ایران مهیا شد. بخشی از این زمینه‌ها متأثر از مقارن بودن سلطه بریتانیایی‌ها در شبه‌قاره هند و نفوذ قابل توجه آن‌ها در حکومت وقت ایران بود؛ البته در شیوه سلطه و نفوذ بریتانیایی‌ها در امور اقتصادی ایران و هند تفاوت‌هایی وجود داشت. هندی‌هایی که در اواخر حکومت قاجاریه به ایران آمدند پیش‌تر کارگران ماهر مورد نیاز صنعت نفت بودند که عمدتاً در خوزستان مستقر شدند. اولین کمپانی‌های خارجی شاغل در استخراج نفت ایران، در جست‌وجوی یافتن کارگران ارزان قیمت و کم‌دردسر، شماری از هندی‌ها را به خدمت گرفتند. این قبیل کارگران هندی تا چند سال بعد از خاتمه سلطنت پهلوی اول در صنعت نفت ایران باقی ماندند. حضور کارگران هندی در ایران، همانند حضور تجار هندی در دوره صفویه، دارای پی‌آمدهای فرهنگی و اجتماعی بود.

این مقاله که بر مبنای مندرجات پاره‌ای از اسناد و منابع تاریخی و تحقیقات جدید و به شیوه توصیفی - تحلیلی تنظیم شده است دوره زمانی بین سال‌های ۱۲۸۲ - ۱۳۲۰ ش را در بر می گیرد. در پژوهش حاضر تلاش شده است که با تکیه بر اسناد و منابع دردسترس گوشه‌هایی از زندگی اجتماعی، مشکلات، و مسائل کارگران هندی و خانواده‌هایشان در مناطق نفت خیز خوزستان تبیین شود. هم‌چنین، بیان زوایایی از فرایند ترکیب و تلفیق و حذف و استقرار برخی مظاهر فرهنگی و آداب و رسوم کارگران هندی در محل اقامتشان طی چند دهه از دیگر اهداف در این مقاله است.

پیش‌تر، برخی پژوهش‌ها در خصوص کارگران هندی شرکت نفت ایران و انگلیس به زبان فارسی و انگلیسی صورت گرفته است. مثلاً ویلم فلور (W. Floor) در کتاب *اتحادیه*

کارگری و قانون کار در ایران (۱۳۷۱)، ذیل عنوان «وضع در قلمرو اپک»، حضور کارگران هندی در کنار کارگران ایرانی و نقش این حضور را در شکل‌گیری اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها در اواخر دوره قاجاریه و اوایل دوره پهلوی بررسی کرده است. مقاله دیگر، «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت‌خیز جنوب ایران»، به قلم ربابه معتقدی، محمدا میر شیخ نوری، و تورج اتابکی است که در شماره دوم دوفصل‌نامه تحقیقات تاریخ/اجتماعی (پاییز و زمستان ۱۳۹۲) منتشر شده و روند استخدام کارگران بومی و خارجی را در صنعت نفت ایران بررسی کرده است. تازه‌ترین پژوهش منتشرشده در این زمینه، مقاله «دور از دیار، در دیاری نو»^۱ تألیف تورج اتابکی است که در شماره نخست فصل‌نامه مردم‌نامه (پاییز ۱۳۹۵) به چاپ رسیده است. در مقاله مزبور کارنامه و زمانه کارگران مهاجر هندی در ایران، از همان آغاز کشف نفت تا زمان آغاز جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹ ش)، با تکیه بر اسناد مراکز آرشیوی چون آرشیو شرکت بریتیش پترولیوم، آرشیو ملی هندوستان، و آرشیو ملی بریتانیا بررسی شده است. در پژوهش حاضر، سعی بر آن بوده است تا با استفاده از مندرجات تعدادی از اسناد منتشرنشده در ایران مسائلی جزئی‌تر چون مهاجرت خانواده‌های کارگران هندی، مشکلات پیش روی آنان، مسائل آموزشی فرزندان این مهاجران، و وضعیت زندگی آنان در ایران بررسی شود.

موضوعاتی که در این مقاله بررسی می‌کنیم عبارت‌اند از: دلایل و زمینه‌های حضور هندی‌ها در صنعت نفت ایران، چگونگی زندگی کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران در اواخر عهد قاجاریه و دوران سلطنت پهلوی اول، و پی‌آمدهای حضور این گروه در ایران است.

۲. پیدایی زمینه اولیه حضور کارگران ماهر هندی در صنعت نفت ایران

قرارداد نفتی میان ایران و ویلیام ناکس دارسی (W. K. D'Arcy) در نهم صفر ۱۳۱۹ ق/ هفتم خرداد ۱۲۸۰ ش/ بیست‌وهشتم می ۱۹۰۱ م به مدت ۶۰ سال منعقد شد. قراردادی که براساس آن سرمایه‌گذار بریتانیایی اجازه تفتیش و تفحص و استخراج نفت، حفر چاه‌های نفت، احداث حوض‌ها، محل تلمبه، تأسیس کارخانه، و ... را در سراسر ایران به‌غیر از آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان، و استرآباد به‌دست آورد (نفت در دوره رضا شاه ۱۳۷۸: ۶-۱۵). سه ماده از این قرارداد هجده‌ماده‌ای مستقیماً به نیروهای انسانی مربوط می‌شد. ماده پنجم مربوط به حق داشتن مهندسان از جانب شرکت مزبور بود. براساس این

بند طرح‌ریزی و نقشه کار گذاشتن لوله‌ها با مهندسان صاحب‌امتیاز یا خود او خواهد بود. مطابق مندرجات بند هشتم صاحب‌امتیاز باید یک یا چند نفر از اهل خبره را به‌منظور تفتیش برای کشف معادن نفت بفرستد (همان: ۱۱).

ماده دوازدهم قرارداد داری بر تابعیت ایرانی کارگران موردنیاز برای استخراج نفت تأکید داشت. در بخشی از این بند آمده: «عمله و فعله که در تأسیسات فوق کار می‌کنند باید رعیت اعلی حضرت شاهنشاه باشند، به‌استثنای اجزای علمی از قبیل مدیر و مهندس و عماق و مباشرین» (همان). در روزگاری که «۹۰ درصد جمعیت فعال کشور در کشاورزی مشغول بودند» (موحد ۱۳۹۴: ۵۷)، کارگر واژه‌ای بی‌جایگاه بود، زیرا فعالیت صنعتی جدی‌ای در ایران صورت نمی‌گرفت تا پی‌آمدش کارگر به‌معنای صنعت‌گر و اهل حرفه صنعتی باشد. روستاییانی که به استخدام شرکت داری درمی‌آمدند به‌صورت موقت کار می‌کردند و در هنگام برداشت محصول به روستاهای خود بازمی‌گشتند. عشایر نیز دائماً کوچ می‌کردند و اسکان دائم برای آن‌ها مقدور نبود (معتقدی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴).

برلز (H. T. Burls)، مهندس معدن و زمین‌شناس بریتانیایی، پیش از ورود گروه داری مأمور تهیه گزارش از دو میدان نفتی ذهاب (چیاسرخ) و دره‌بید شد. او در گزارش خود به تاریخ سوم ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ ق/ بیست‌ونهم تیر ۱۲۸۰ ش/ بیستم جولای ۱۹۰۱ م درخصوص میدان نفتی چیاسرخ در کرمانشاه تعداد کافی کارگر گرد با دست‌مزد روزانه یک‌قران را برآورد کرد. به‌نوشته او یگانه شرط استخدام آنان جلب همکاری خان محلی با اعضای کمپانی بود (برلز ۱۳۹۵: ۵). او درخصوص وضعیت استخدام کارگر در منطقه دره‌بید نوشت:

ساکنان عرب در حوالی، با کمک شیخ محلی، می‌توانند مشغول به کار شوند؛ بدون شک درابتدا مشکلاتی وجود خواهد داشت، اما با پرداخت‌های منظم و رفتار خوب تعداد کافی می‌توان به‌دست آورد. مهم‌ترین عامل در تعامل با بومی‌ها روش برخورد با آن‌هاست، زیرا به افراد غریبه‌ای که وارد منطقه می‌شوند با شک نگاه می‌کنند (همان: ۳).

داری بعد از دریافت گزارش‌های دقیق مورد اشاره فعالیت خود را در ۱۹۰۲ م در غرب ایران آغاز کرد. به‌این ترتیب، مهندسان حفار لهستانی و انگلیسی به‌همراه رینولدز (G. B. Reynolds)، کارشناس انگلیسی نفت که به استخدام داری درآمده بود، وارد قصر شیرین شدند (موحد ۱۳۹۴: ۶۰). آهن‌گران اروپایی، بازرس ترک، و معاونان و پزشک

هندی هم به علت نبود نیروهای متخصص ایرانی در این عملیات حضور داشتند. ظاهراً، حضور این افراد ناقض مفاد قرارداد نبود (نفت چیا سرخ کرمانشاه ۱۳۹۴: ۱۳). پزشک هندی، واسای رستم‌چی،^۲ نه تنها در خدمت هیئت حفاران بود، بلکه افراد محلی نیز در صورت بروز مشکل زیر نظر او درمان می‌شدند (همان: ۶۹).

کار اکتشاف نفت در حالی در ایران آغاز شد که داری و بریتانیایی‌ها مطابق مندرجات قرارداد ملزم به استفاده از کارگر ایرانی بودند، اما عملی شدن این موضوع به راحتی مقدور نبود. در دوره ناصری (حک: ۱۲۶۳-۱۳۱۳ ق) عده زیادی از ایرانیان ساکن نواحی شمال و شمال غربی ایران به قفقاز مهاجرت کردند و در صنایع نفت مشغول کار شدند. پدیده‌ای که با گذشت زمان و توسعه این صنعت در روسیه رو به فزونی گذاشت (اتابکی ۱۳۹۰: ۶۱-۹۶). در ۱۹۰۵ م، یعنی مقارن با تغییر عملیات حوزه اکتشاف نفت از غرب به جنوب ایران، حدود ده هزار کارگر ایرانی در حوزه‌های نفتی باکو مشغول به کار بودند (همان: ۷۵)، اما این مهاجران محدود به سرزمین‌های شمالی ایران بودند و از بخش‌های مرکزی و غربی و جنوبی ایران مهاجرتی به قفقاز صورت نگرفت و ساکنان این مناطق با کار صنعت نفت آشنا نبودند. سابقه حضور استعماری بریتانیا در هندوستان و به تبع آن گام برداشتن در جهت صنعتی شدن این کشور باعث شد هندی‌ها با سابقه کار در مراکز صنعتی آشنا بشوند و بیش از ایرانیان آماده حضور در صحنه‌های استخراج نفت باشند. کشف نفت و ساخت پالایشگاه در برمه (۱۳۰۳ ق / ۱۲۶۵ ش / ۱۸۸۶ م) طیفی از کارگران را با عنوان کارگران نفتی در هندوستان بر سر کار آورده بود. از این رو، بریتانیایی‌ها به علت ضعف مهارتی نیروی کار ایرانی ساکن در بخش‌های جنوبی این سرزمین هندی‌ها را استخدام می‌کردند. بریتانیایی‌ها هندی‌ها را «شاگردان مستعدی» می‌دانستند که تاحدی از معلمان بریتانیایی خود آموزش‌هایی چون تقسیم کار و بازده اقتصادی را فراگرفته بودند (ویلسون ۱۳۹۴: ۴۱).

۳. اعتراض اولیه ایران به اشتغال کارگران هندی در صنعت نفت

حضور کارگران هندی در صنعت نفت، که نقض ماده دوازدهم قرارداد ایران و داری بود، اعتراض دولت مردان ایرانی را موجب شد. عبدالحسین میرزا فرمانفرما، حاکم وقت کرمانشاه، نارضایتی خود را در این باره اعلام کرد که با بی‌توجهی رینولدز «مهندس باشی معادن نفت جنوبی ایران» (نفت چیا سرخ کرمانشاه ۱۳۹۴: ۴۵) مواجه شد. در ۱۳۲۱ ق / ۱۲۸۲ ش / ۱۹۰۳ م رینولدز برای تمدید قراردادش به بریتانیا سفر کرد (حسن‌نیا ۱۳۹۴: ۱۰۹). بعد از

کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول ۲۱۳

رفتن او روزن پلانتر (R. Plaenter) که پیش از این سابقه حضور در صنایع نفت آسام و باکو را داشت جای او را گرفت. محمدحسن خان شیخ‌الملک سیرجانی، که در جایگاه واسطه‌ای میان شرکت داری و دولت ایران عمل می‌کرد، ضمن نامه‌ای به تاریخ بیست‌وششم محرم ۱۳۲۱ ق/ سوم اردیبهشت ۱۲۸۲ ش/ بیست‌وچهارم آپریل ۱۹۰۳ م به فرمانفرما از اقدام روزن پلانتر برای جلب‌نظر او درخصوص اخراج کارگران خارجی شرکت نفت تمجید کرد. در بخشی از این نامه آمده است:

به محض این‌که فهمید میل مبارک حضرت اقدس اشرف روحی فداه بر این است که عملجات از اتباع دولت علیه باید باشد، فوراً درصدد تغییر و تبدیل آن‌ها برآمد و فعلاً جز دو سه نفر خدمت‌گزاران مهندس‌باشی که به طبیعت و حال او بلدیت حاصل کرده‌اند، با چهار پنج نفر گاریچی که متصل باید با گاری از بغداد اسباب و آلات حمل نمایند، دیگر احدی از عملجات خارجه نیست. تمام اتباع دولت علیه هستند؛ اگر ایرانی‌ها می‌توانستند گاری را هم راه ببرند، آن‌ها را نیز تغییر می‌داد، ولی مخصوصاً تجربه کردیم ایرانی‌ها نتوانستند. به‌این واسطه، آن‌ها را تبدیل نکرده‌اند؛ و آلا، مانعی نبود (نفت چیاسرخ کرمانشاه ۱۳۹۴: ۵۳).

در ادامه مقاله متوجه می‌شویم که این امر به‌صورت موقت روی داد و شرکت داری بی‌توجه به اعتراض‌های مسئولان ایرانی به استخدام کارگران غیرایرانی ادامه داد.

۴. افزایش کارگران هندی صنعت نفت و اعتراض دوباره ایرانیان

بعد از آن‌که سرمایه داری در دوره چهارساله حفاری‌های منطقه غرب رو به پایان گذاشت، او قصد فروش و واگذاری امتیاز خود را به شرکت‌های مشتاق دیگر داشت. این مسئله‌ای بود که موجب نگرانی مقامات حکومتی بریتانیا شد و به فکر اتخاذ تدبیر مناسب برای ممانعت از این عمل برآمدند. به‌دنبال این سیاست، شرکت نفت برمه برای سرمایه‌گذاری مشترک وارد صحنه استخراج نفت ایران شد. حاصل این توافق تشکیل شرکت سندیکای امتیازات (concession syndicate) در بیست‌ونهم صفر ۱۳۲۳ ق/ پانزدهم اردیبهشت ۱۲۸۴ ش/ پنجم می ۱۹۰۵ م بود (موحد ۱۳۹۴: ۶۱). تغییر حوزه حفاری برای نفت در ایران از پیش‌نهادهای شرکت نفت برمه بود. به‌این ترتیب، نیروهای حفاری از غرب ایران به جنوب یعنی ماماتین و شاردین و نفتون^۱ (مسجدسلیمان) روی آوردند (ابطحی ۱۳۸۴: ۳۹). سرانجام تیم حفاری، در رجب ۱۳۲۳ ق، در جنوب به حفاری مشغول شد (حبل‌المتین ۱۳۲۳: ۶-۷).

در جریان تغییر حوزه حفاری از غرب به جنوب ایران، به کارگرفتن کارگران غیرایرانی هم‌چنان مدنظر مسئولان شرکت نفت برمه بود. این امر اعتراض دوباره برخی از مسئولان ایرانی را برانگیخت. نمایندگان مجلس شورای ملی در این باره اعتراض کردند و جوادخان سعدالدوله، نماینده طبقه اعیان در دوره اول مجلس شورای ملی، در جلسه هفتم ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ق این موضوع را بررسی کرد. سعدالدوله خواهان حضور نماینده کمپانی دولت ایران (عبدالعلی خان صدیق‌السلطنه) در مجلس شد تا درباره این موضوع توضیح دهد. در بخشی از نطق اعتراضی این نماینده آمده است: «عمله‌جات باید رعایای مسلمان ایرانی باشند، ولی از قرار معلوم تمامی عمله‌جات از ارامنه و رعایای عثمانی و هندی و غیر این‌ها از رعایای خارجه هستند» که مسئولان باید به چرایی این امر پاسخ دهند (میرزا صالح ۱۳۸۴: ۷۷).

در جلسه پنجم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق، وزیر معادن (میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک کاشی) و صدیق‌السلطنه برای پاسخ‌گویی به مسئله استخدام کارگران غیرایرانی در مجلس حاضر شدند. وزیر معادن در پاسخ به سعدالدوله توضیح داد که بعد از تذکر دولت ایران «همه عمله‌جات ایرانی هستند مگر سی نفر» که آن‌ها نیز شامل مقامات بالا، تکنسین‌ها، و «عمله‌جات علمی» می‌شوند که حضورشان ناقض قرارداد نیست. صدیق‌السلطنه نیز در پاسخ به سعدالدوله اظهار داشت تا به حال مأموریتی برای حضور در منطقه جنوب نداشته و منتظر است که «چاه نفت بیرون بیاید» (همان: ۱۰۶). سعدالدوله که از پاسخ‌های نماینده دولت و وزیر معادن قانع به نظر نمی‌رسید هنوز مصمم بود که «آن سی نفر را که خارجه‌اند هم معلوم کنید چه‌کاره هستند» (همان).

فشار نمایندگان مجلس شورای ملی باعث شد تا صدیق‌السلطنه برای نخستین‌بار از مناطق نفتون و ماماتین بازدید کند. نتیجه بازدید اعتراض به رینولدز برای حضور نجاران و آهن‌گران ترک عثمانی بود. به نظر صدیق‌السلطنه، درحالی‌که صنعت‌گران اصفهانی این تخصص را داشتند آوردن عثمانی‌ها توجیهی نداشت. درمقابل این اعتراض، رینولدز پاسخ داد که این گروه درزمره کارگران محسوب نمی‌شوند و ایرانیان این تخصص را ندارند (معتقدی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۳۰). به این ترتیب، بریتانیایی‌ها بی‌توجه به اعتراض‌های رسمی مقامات ایرانی هم‌چنان کارگران غیرایرانی را در زمینه اکتشاف نفت به کار گرفتند.

۵. فوران چاه نفت و ساخت پالایشگاه و تداوم حضور روزافزون هندی‌ها

با کشف نفت در مسجدسلیمان در بیست و چهارم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق/ پنجم خرداد ۱۲۸۷ ش/ بیست و هشتم می ۱۹۰۸ م شرکت نفت انگلو- پرشین (anglo-persian oil company) شکل

گرفت که مجموعه‌ای از سهام‌داران قبلی بود؛ با این حال، داریسی نیز در هیئت‌مدیره شرکت جدید حضور داشت (موحد ۱۳۹۴: ۷۰). در این مرحله، وزارت امور خارجه بریتانیا تصمیم گرفت به منظور حفاظت از نیروی اکتشاف و حفاران بیست سرباز فوج هجدهم بنگال را به فرماندهی آرنولد تالبوت ویلسون (A. T. Wilson) به جنوب ایران اعزام کند (ویلسون ۱۳۹۴: ۶۶). این نظامیان اهل پنجاب و مسلمان بودند (همان: ۹۴). هزینه سربازان هندی به مراتب کم‌تر از سربازان بریتانیایی بود که «جیره سطح بالا و نیازمندی‌ها و سوخت و گوشت و لوازم پرخرج» می‌خواستند (همان: ۱۷۰).

کشف نفت در منطقه مسجدسلیمان پیدایی مباحثی چون ضرورت ساخت پالایشگاه، مسئله اسکان و استقرار نیروهای متخصص، و استخدام کارگران مشخص و دائمی را به دنبال داشت. آندرو کمپبل (A. Campbell) از سوی کمپانی نفت برمه در بهار ۱۳۲۷ ق/م ۱۹۰۹ برای بررسی و تعیین منطقه ساخت پالایشگاه به جنوب ایران آمد. محل انتخابی او منطقه عبادان/آبادان بود (British Petroleum Archive 1931: 14). ساخت پالایشگاه برعهده مهندسان پالایشگاه برمه گذاشته شد. کارگرانی که برای این کار به استخدام درآمدند کارگران ماهر هندی بودند که پیش‌تر تجربه ساخت پالایشگاه را در شهر رنگون واقع در برمه (rangoon) داشتند (موحد ۱۳۹۴: ۷۲). دیگر عامل مؤثر در استخدام کارگران هندی برای عملیات ساخت پالایشگاه آن بود که تحمل هوای گرم و شرجی منطقه خوزستان برای آن‌ها سهل‌تر از کارگران اروپایی بود (British Petroleum Archive 1931: 15). ویلسون در گزارشی مربوط به همین دوران از حضور «کنیر» کارگرانی از هندوستان و ساکنان بنادر جزایر خلیج فارس می‌نویسد (ویلسون ۱۳۹۴: ۲۱۶).

در کنار کارگران ماهر عمدتاً هندی که مشاغل مشخص داشتند، شماری از روستاییان منطقه و حتی استادکارانی که مهارت‌های لازم را نداشتند هم استخدام شدند و در کارهای سنگینی که مهارت خاصی لازم نداشت به کار گرفته شدند. دست‌مزد قابل توجه شرکت باعث تشویق مردانی از لرستان، ایل بختیاری، و کردستان برای کار در پالایشگاه شد (British Petroleum Archive 1931: 15). در تصاویر به‌جامانده از ساخت خط لوله و پالایشگاه آبادان کارگران ایرانی دیده می‌شوند که در حال حمل لوله‌های انتقال نفت به پالایشگاه‌اند (www.petrophoto.ir).

عامل مؤثر دیگر در ترغیب انگلیسی‌ها برای به‌کارگیری شمار بیشتری از کارگران هندی در صنعت نفت ایران بروز برخی تعارض‌ها بین کارگران ایرانی و هندی صنعت نفت بود. مسئله برتری کار هندی‌ها در نظر مدیران انگلیسی بازخوردی منفی در کارگران ایرانی

داشت. کارگران ایرانی با بی‌اعتنایی به توصیه‌های مدیران شرکت نفت برای پرهیز از طرح اختلاف با هندی‌ها شیوه خود را در کار پیش می‌گرفتند؛ این امر باعث تأخیر در اجرای طرح‌های موردنظر می‌شد. این مسئله بر حضور تعداد بیش‌تری از کارگران هندی که بعضاً مهارت خاصی هم نداشتند می‌افزود (British National Archive Fo 460/3 1909).

گذشت زمان نشان داد که شرکت نفت آنگلو-پرشین به‌عللی ترجیح می‌دهد برخلاف تعهد خود نیروی کار غیرماهر خود را نیز از هند تهیه کند، زیرا استخدام این کارگران به‌مراتب به‌صرفه‌تر و ارزان‌تر از استخدام کارگران گرد و گُر ایرانی بود (British National Archive Fo 460/3 1911). از سویی دیگر، حاکم محمره (شیخ خزعل) انتظار داشت که کارگران بومی عرب به‌هنگام بهره‌برداری از خرما در نخلستان‌ها حاضر باشند (ibid). این امر، یعنی غیبت مقطعی کارگران عرب، به روند کار صنعت نفت لطمه می‌زد.

۶. چگونگی روابط کارگران هندی با کارگران ایرانی صنعت نفت

در آمارهای سال آغاز ساخت پالایشگاه (۱۹۱۰ م/ ۱۳۲۸ ق) تعداد کارگران هندی ۶۰-۷۰ نفر در مقابل ۴۰۰ کارگر ایرانی و ۴ اروپایی بود (فلور ۱۳۹۶). احتیاج به نیروی کار بیش‌تر در پالایشگاه ورود کارگران هندی را در ظرف یک سال افزایشی قابل توجه داد. در ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م تعداد کل کارگران هندی در مجموع ۳۳۴ نفر در مقابل ۱۸۸۴ نفر ایرانی بود. براساس این آمارها بیش‌ترین تعداد کارگران هندی در آبادان، یعنی محل ساخت پالایشگاه، فعال بودند که شمار آن‌ها به ۲۱۸ نفر می‌رسید. در قسمت خط لوله نیز در مقابل ۷۷۰ نفر کارگر ایرانی ۴۹ نفر کارگر هندی مشغول به کار بودند (حسن‌نیا ۱۳۹۴: ۲۵۱-۲۵۲).

ویلسون که مدتی سرپرستی هیئت نظامیان هندی در خوزستان را برعهده داشت متوجه تفاوت فرهنگی میان ایرانیان و نیروهای هندی و تعارض‌های پدیدآمده ناشی از این امر بود (ویلسون ۱۳۹۴: ۱۰۴). اگرچه با ورود این تعداد کارگر هندی واکنش‌ها و برخوردهایی بین آنان و بومیان ایرانی روی داد، با گذر زمان، به‌تدریج موارد تنش‌زای رخ داده بین دو طرف کم‌تر شد و کم‌کم فضای زندگی برای کارگران مهاجر در ایران باز شد و ارتباط اجتماعی میان این دو فرهنگ متفاوت به‌آهستگی برقرار شد. در صورت بروز برخی مشکلات، کنسول‌گری بریتانیا برخی مسائل کارگران هندی را پی‌گیری و حل می‌کرد (همان: ۲۱۷).

پاره‌ای از مشکلات کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران به پی‌آمدهای ناشی از زندگی و کار در سرزمینی دیگر و نیز روابط آن‌ها با بومیان ایرانی ارتباط داشت و

بخشی دیگر به عملکرد مسئولان شرکت نفت در نادیده گرفتن وضعیت کار و زندگی آنان در ایران مربوط می‌شد. برای نمونه، کارگران هندی ساخت پالایشگاه تا زمان ساخته شدن مقری مستحکم برای آنان در کلبه‌های حصیری یا چادرها مقیم بودند (British Petroleum Archive 1931).

برخی دیگر از مشکلات و گرفتاری‌های کارگران هندی عبارت بودند از: حوادث کاری، اختلافات دینی، و تفاوت در سبک زندگی که بعضاً به امور بهداشتی مربوط می‌شد. مثلاً، در بیست‌وششم ذی‌القعدة ۱۳۲۹ ق/ بیست‌وششم ۱۲۹۰ ش/ هجدهم نوامبر ۱۹۱۱ م میان کارگران هندی و محافظان بختیاری شرکت نفت آنگلو- پرشین در آبادان درگیری روی داد. این امر به اعتصاب اغلب کارگران هندی به غیر از سیک‌های فنی کار منجر شد. کارگران هندی برای حل مشکل خود به کنسول‌گری بریتانیا در خرمشهر رفتند و مشکلات فراوان خود را مطرح کردند. باین حال، سرانجام با ترغیب و تشویق کنسول بریتانیا یک روز بعد سر کار خود حاضر شدند (Political Diaries of the Persian Gulf 1990, vol. 4: 459).

از دیگر پی‌آمدهای حضور کارگران هندی شیوع برخی بیماری‌های واگیردار در جنوب ایران و بروز اختلاف نظر بین ایرانیان و مهاجران در شیوه جلوگیری از انتشار این بیماری‌ها بود. برای نمونه، در سال ۱۹۱۱ م/ ۱۳۲۹ ق هم‌زمان با ساخت خط لوله انتقال نفت از مسجد سلیمان به آبادان و پالایشگاه بیماری وبا در این مناطق شایع شد. شیوع این بیماری دو پی‌آمد داشت: یکی تعویق در ساخت‌وساز به علت مرگ‌ومیر کارگران (فلور، ۱۳۹۶) و دیگری نمایان شدن بیش از پیش اختلاف‌های فرهنگی میان کارگران مهاجر و بومی. یکی از شیوه‌های جلوگیری از شیوع بیماری سوزاندن اجساد مبتلایان بود. این امر که میان کارگران هندو مذهب امری رایج بود برای کارگران ایرانی مسلمان امری غیرقابل پذیرش و ناممکن به نظر می‌رسید (عباس شهنی ۱۳۷۴: ۱۲۰).

مطابق با برخی گزارش‌ها، مناسبات میان ایرانیان و نیروهای هندی شرکت نفت ایران و انگلیس همیشه توأم با دشمنی و خشونت نبود. به عبارت دیگر، این روابط و مناسبات گاه دوستانه بود و گاه به واسطه مواردی چون برتری این اتباع خارجی نزد مدیران انگلیسی خشم ایرانی‌ها برانگیخته می‌شد. ویلسون در یکی از گزارش‌های خود از روابط دوستانه دو نقشه‌بردار هندی با بومیان ایرانی سخن می‌گوید (ویلسون ۱۳۹۴: ۱۸۰). منبعی دیگر گزارشی از دعوی کارگران گُر با راننده هندی لکوموتیو ارائه کرده است؛ مطابق با این گزارش، کارگران گُر که جمعیتی بالغ بر ۱۵۰۰ نفر بودند در اعتراض به تصادف مرگ‌بار یک کارگر گُر با لکوموتیوی که راننده آن هندی بود مدتی تجمع کردند. گُرهای معترض

اعلام کردند که از دفن همکار خود تا زمانی که راننده خون‌به‌ای او را پرداخت نکند خودداری می‌کنند. معترضان بعد از مدتی، به علت دریافت نکردن پاسخ موردانتظار، واکنش تندتری نشان دادند و دست به تخریب و انهدام کارگاه‌های شرکت زدند. سرانجام این اعتراض با دخالت کنسول‌گری بریتانیا و دست‌گیری سه تن از رهبران معترضان خاتمه یافت (Political Diaries of the Persian Gulf 1990, vol. 5: 417).

۷. اعتراض‌های کارگران هندی به وضعیت کاری و پی‌آمدهای آن

از محاسن حضور کارگران هندی و عملکرد آن‌ها در محیط کار آگاهی تدریجی کارگران بومی ایرانی از حقوق قانونی کارفرما و کارگر بود. با اتفاق‌هایی مشابه آن‌چه در بالا اشاره شد، بعد از مدتی، اعتصاب هندی‌ها از حالت اعتراض به کارگران یا محافظان ایرانی به اعتراض به رفتار کارفرمایان انگلیسی تبدیل می‌شد. برای نمونه، در بیست و هفتم ربیع‌الاول ۱۳۳۹ ق/ هجدهم آذر ۱۲۹۹ ش/ نهم دسامبر ۱۹۲۰ م کارگران هندی که در این زمان تعدادشان به سه هزار نفر می‌رسید در اعتراض به وضعیت کاری خود دست به اعتصاب زدند. برخی خواسته‌های آنان عبارت بودند از: افزایش دست‌مزد، تقلیل ساعات کار روزانه، دریافت دست‌مزد برای اضافه‌کار، بهبود وضع بهداشت، و تغییر رفتار توهین‌آمیز کارمندان با کارگران (فلور ۱۳۷۱: ۴۴). با گذشت کم‌تر از ۲۴ ساعت از این اعتصاب، کارگران ایرانی هم به عللی چون «دست‌مزد اندک، تسهیلات ناکافی، و شرایط زندگی کثیف» به کارگران معترض هندی پیوستند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۲). اتحاد و پیوند این دو طیف کارگر دست‌آورد و سرانجامی خوش داشت و شرکت نفت انگلیس با پذیرفتن برخی خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان حقوق آن‌ها را ۸۰ درصد افزایش داد (فلور ۱۳۷۱: ۴۴).

نتیجه گرفتن از اعتصاب یادشده مشوق کارگران ایرانی و هندی برای تداوم گاه‌گاه این قبیل اعتصاب‌های کارگری شد. دو سال بعد، در اردیبهشت ۱۳۰۱ ش/ می ۱۹۲۲ م، بار دیگر کارگران هندی به وضعیت حاکم اعتراض کردند. برخی گزارش‌ها حاکی از محق بودن این قبیل اعتصاب‌ها و وضعیت «فلاکت‌بار» کارگران هندی است. به‌نوشته اتابکی:

هیچ محدودیتی برای ساعات کار روزانه وجود ندارد. تا پیش از شروع اعتصاب زغال و یخ به کارگران داده نمی‌شد. کارگران به دلیل عدم توجه شرکت نفت به خواسته‌های رفاهی‌شان در تابستان به دلیل گرم‌زدگی و در زمستان بر اثر ذات‌الریه می‌میرند (۱۳۹۵: ۳۳).

به‌هرحال، مسئولان کمپانی نفت انگلیس و ایران در واکنش به اعتصاب سال ۱۳۰۱ ش دعای مطروح شده در این اعتراض‌ها را کذب و بی‌اساس خواندند. هم‌چنین این بار، به‌جای پاسخ به خواسته‌ها، بهترین راه را در اخراج کارگران اعتصابی دیدند. به‌این‌ترتیب، در ۱۳۰۱ ش / ۱۹۲۲ م دو هزار نفر از مجموع ۴۹۴۲ نفر (ساکما ۸۸۰۹۳-۲۴۰) کارگر هندی از کمپانی نفت انگلیس و ایران اخراج شدند و با کشتی به هندوستان بازگردانده شدند. اکثر کارگران اخراجی هندی پیرو آئین سیک بودند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۴). شدت واکنش کمپانی در برخورد با این اعتراض‌های کارگری به‌گونه‌ای بود که روزنامه‌تایمز لندن در گزارش خود احتمال تکرار اعتصاب‌هایی از این دست را بعید دانست (بهبودی ۱۳۸۸: ۲۴).

چندی از این اخراج گسترده نگذشته بود که روزنامه شفق سرخ در تیرماه ۱۳۰۱ ش خبر اعتصاب کارگران ایرانی در مسجدسلیمان و آبادان و ورود حاکم خوزستان (شیخ خزعل) را به این جریان منتشر کرد. در بخشی از گزارش این روزنامه آمده است:

به‌واسطه پاره‌ای اختلافات، چندی قبل عملیات معادن جنوب چند روزی اعتصاب و تعطیل نموده بودند که پس از مذاکرات و استعلام تقاضاهای آن‌ها سردار اقدس [شیخ خزعل] نیز به مسجدسلیمان آمده، نمایندگان آن‌ها را احضار، و وعده انجام مقاصد حق ایشان را که تحت ده یازده ماده است داده بودند. اینک درخصوص یکی از درخواست‌های مهم ایشان که خارج نمودن عملیات هندی از خدمت معادن بوده از طرف دولت نیز اقدام شده و در نتیجه موفقیت حاصل گردید که عملیات هندی را، که بالغ بر چهار هزار نفر می‌شوند، منفصل و به هندوستان عودت دهند و به‌جای آن‌ها عملیات ایرانی استخدام نمایند (شفق سرخ ۱۳۰۱: ش ۴۱).

از دیگر پی‌آمدهای اعتصاب‌ها و اعتراض‌های خبرساز کارگران هندی باز شدن مجدد فضا برای بحث درباره حضور نداشتن اتباع بیگانه در صنعت نفت ایران در برخی محافل دولتی و حکومتی ایران بود. برخی نامه‌نگاری‌ها بین وزارت مالیه، وزارت امور خارجه، و سفارت بریتانیا از پی‌گیری دولت ایران برای رسیدگی به مسئله حضور کارگران خارجی در شرکت و برخورد با نقض ماده دوازدهم قرارداد داری حکایت دارد (ساکما، ۸۸۰۹۳-۲۴۰). برای نمونه، نماینده دولت ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس (فریدالسلطنه) در بهمن ۱۳۰۰ ش به استخدام بی‌رویه «عملیات هندی و چینی» اعتراض کرده بود که پاسخی درخور نیافت (نفت در دوره رضا شاه ۱۳۷۸: ۱۵).

با گسترش عملیات صنعت نفت در ایران به تدریج تعداد کارگران ایرانی در مقابل کارگران هندی افزایش یافت، اما با وجود کاهش تدریجی شمار کارگران هندی، برخی

تأثیرهای کارگران هندی در کارگران ایرانی از میان نرفت. کارگران ایرانی برای طرح برخی خواسته‌ها و اعتراض‌هایشان از رفتار کارگران هندی الگوبرداری کردند. هم‌چنین، آن‌ها به‌مرور مهارت لازم را برای رهبری و هدایت اعتراض‌ها و طرح خواسته‌های خود یافتند. رفتار تبعیض‌آمیز مسئولان شرکت نفت انگلیس و ایران با کارگران ایرانی و غیرایرانی از لحاظ حقوقی و معیشتی پی‌آمدهایی چون تشدید اعتراض‌های کارگری را به‌دنبال داشت. این قبیل رفتارها از سوی کارگران ایرانی صنعت نفت در اوضاع و احوالی صورت می‌گرفت که در این ایام جنبش چپ کارگری در همسایه شمالی ایران (شوروی) رونق زیادی داشت؛ اگرچه نمی‌توان درباره نفوذ این جنبش در کارگران صنعت نفت ایران اظهار نظر قطعی کرد، اما در سال‌های بعد جدیت بیش‌تری در رفتارهای اعتراضی کارگران شاغل در صنعت نفت دیده می‌شود. برای نمونه، در اسفند ۱۳۰۶ ش شایع شد که کمپانی نفت جنوب قصد اخراج ده هزار نفر کارگر ایرانی را دارد (همان: ۳۶). این شایعه باعث تجمع کارگران ایرانی در مقابل اداره کارگزینی شرکت و «سنگ‌باران» این محل شد (همان: ۳۸). در مقابله با این معترضان شماری از کارگران هندی و عرب با سنگ‌اندازی به‌سوی کارگران معترض ایرانی برای بی‌اثرکردن این اعتراض‌ها گام برداشتند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۷).

به‌نظر کاوه بیات (۱۳۹۰: ۲۰۰)، نقد نشریات آن روزگار به تفاوت قائل شدن میان کارگران هندی و ایرانی از عواملی بود که تاحدی در تشویق کارگران ایرانی به تداوم اعتراض‌ها نقش داشت. برای نمونه، نویسنده‌ای به نام محمود خوزستانی در روزنامه شفق سرخ در مقایسه وضعیت کارگران هندی و ایرانی نوشت:

چرا کمپانی با عملی ایرانی این‌طور رفتار می‌کند و عمله و کارگران هندی را با حقوق بیش‌تری از هند آورده و به آن‌ها همه‌گونه وسایل آسایش و منزل و مخارج ایاب‌وذهاب می‌دهد؛ برای این‌که کار را یک‌سره به‌دست ایرانی‌ها نهد و اگر روزی کارگر ایرانی بخواهد مطالبه حقوق خود را بنماید، در قسمت‌های عمده کارخانجات از وجود کارگر ایرانی بی‌نیاز باشد (شفق سرخ ۱۳۰۷: ۱).

۸. اقامت‌گاه کارگران هندی در آبادان و برخی اماکن عمومی آن‌ها

کشف نفت در مسجدسلیمان و ساخت پالایشگاه در آبادان و حضور جمعیتی متشکل از اقوام و ملیت‌های مختلف با جایگاه‌های اجتماعی متفاوت موجب رونق آبادان و مسجدسلیمان شد. شرکت نفت ایران و انگلیس برای کارگران و کارکنان خارجی پالایشگاه،

که به تدریج تعدادشان افزایش می‌یافت (فلور ۱۳۹۶)، محله‌های مسکونی ساخت. جزیره آبادان در زمان انعقاد قرارداد اجاره میان کمپانی نفت ایران و انگلیس و شیخ خزعل جمعیتی حدود ۲۴ هزار عرب بومی داشت. این جمعیت در روستاهای گوناگون این جزیره سکونت داشتند و در نخلستان‌های شیخ خزعل مشغول به کار بودند (همان).

آبادان با ساخت پالایشگاه تبدیل به شهرکی سازمانی با ساختار طبقاتی شد. خانه‌سازی برای کارمندان و سازندگان اروپایی و کارگران هندی و ایرانی شرکت نفت انگلیس و ایران به صورت جدا از هم در مناطق متفاوت آغاز شد (www.historiae.org/abadan.asp). با ساخت محله هندی‌ها در حد واسط محله‌های اروپاییان و ایرانیان ظاهراً تلاش شده است که تعادلی بین دو فرهنگ دور از هم برقرار شود. محله‌ای که خانه‌های مسکونی کارمندان اروپایی در آن واقع بود بریم (brime) نام‌گذاری شد. کارگران هندی در منطقه‌ای ساکن شدند که در ابتدا منطقه کولی‌ها^۲ نام داشت. این محله مدتی بعد به علت سکونت سیک‌ها سیک لین (sikh lane) نام گرفت و در نهایت، به محله هندی‌ها تغییر نام داد (اتابکی ۱۳۹۵: ۲۷).

در محله هندی‌ها مسجد سنیان، مسجد شیعیان، و معبد هندوها ساخته شد (همان: ۲۹). مسجد رنگونی‌های آبادان یادگاری از کارگران سنی مذهب رنگونی است که طی سال‌های ۱۲۹۱-۱۳۰۰ ش / ۱۹۱۲-۱۹۲۱ م ساخته شد (کعبی فلاحیه، مسجد رنگونی‌ها). در ساخت بخشی از ساختمان‌های این مسجد که در جنوب غربی پالایشگاه و کنار اروندرود واقع شده بود از لوله‌های نفت و ریل راه‌آهن در سقف و کف آن استفاده شد. این مسجد ساخته شد تا نیاز مسلمانان هندی را برای برپایی نماز و عبادت و گردهمایی برطرف کند (همان).

امکانات زندگی برای کارگران هندی شرکت نفت اسفناک بود، اما هنوز در مقایسه با امکانات کارگران ایرانی از کیفیت بالاتری برخوردار بود. کارگران هندی به صورت جمعی در اتاق‌هایی به شکل سربازخانه روزگار می‌گذراندند. کارگران ایرانی نیز تا ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م در همان کپرهای حصیری و چادرهای به‌جامانده از زمان اقامت کارگران هندی زندگی می‌کردند (حسن نیا ۱۳۹۴: ۲۴۳؛ یعقوبی نژاد ۱۳۷۳: ۱۷۹-۱۸۰). بیمارستان مجهز هندی‌ها به نام بیمارستان کمپانی در مجاورت شرکت نفت قرار داشت. در مقابل، بیمارستان ایرانی‌ها در محله کثیف و بدبوی شیخ قرار داشت و فاقد تجهیزات مناسب بود. به علت این قبیل تبعیض‌های آشکار کارگران ایرانی صدای اعتراض خود را از طریق نوشتن شکوائیه به مرجع قانون‌گذاری مجلس شورای ملی رساندند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۶).

۹. توسل کارگران هندی به مقامات ایرانی برای اقامت و حل مشکلاتشان

مسئله مسکن نامناسب گروهی یکی از مشکلات کارگران هندی شاغل در صنعت نفت ایران بود. مشکل دیگر محدودیت‌های اعمال‌شده برای مهاجرت خانواده‌های این کارگران به ایران بود. مسئولان بریتانیایی شرکت نفت انگلیس و ایران به کارگران هندی اجازه نمی‌دادند که خانواده خود را به‌همراه داشته باشند (ساکما، ۱۷۵۳۱-۲۴۰). با گذشت زمان از استقرار کارگران هندی در ایران، شماری از آنان مایل به حضور خانواده‌های خود در ایران و حتی کسب مجوز اقامت در ایران بودند. این درخواست گویای آن است که آن‌ها خود را جدا از جامعه ایرانی نمی‌پنداشتند.

جمعی از کارگران مسلمان هندی با درک تمایلات باستان‌گرایانه رضا شاه و اهمیت آن در منظر حکومت پهلوی، در آذر ۱۳۰۶ ش، در عریضه‌ای خطاب به رضا شاه پهلوی خود را «ایرانی‌نژاد» و با «محبت فوق‌العاده به ایران» خواندند؛ سپس در ادامه عریضه از او خواستند «حکمی به حکومت هندوستان و رئیس کمپانی نفت انگلیس و ایران صادر فرمایند تا بعد از این به ما اجازه آوردن عیال بدهند؛ کمپانی نفت ذمه‌داری بگیرد که خانه‌ای عیال‌بار به ما بدهد» (همان). از جمله دلایل محکمه‌پسند کارگران معترض هندی برای طرح خواسته‌های اشاره‌شده، علاوه بر اظهار عشق به «آب و خاک ایران»، دو مسئله بود: یکی مسلمانی و دیگری برهم‌زدن توطئه استعمار. در بخشی از عریضه شماری از کارگران مسلمان هندی به شاه ایران آمده است:

راضی نیستند که پول اسلام در کفرستان که هندوستان باشد خرج بشود ... از پول مسلمانان کفار نفع بخورند. همین است که ما می‌خواهیم عیالات ما این‌جا باشند تا خرج آن‌ها همین‌جا بشود. پول ایران بایستی در کیسه ایرانی‌ها برود تا برادران اسلامی ما ایرانیان ترقی بکنند. همین است که کمپانی نفت اجازه به آوردن عیال نمی‌دهد (همان).

میل به مهاجرت و استقرار در ایران و تلاش برای حل برخی از مشکلات از طریق عریضه نوشتن به مسئولان ایرانی فقط محدود به کارگران هندی شاغل در منطقه نفت‌خیز جنوب ایران نمی‌شد. برای نمونه، براساس مندرجات اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در ۱۳۰۱ ش، شماری از تجار ثروتمند هندی مستقر در دزدآب/ زاهدان نیز به‌همراه تعدادی از تجار ایرانی در نامه‌ای رسمی به وزارت معارف و اوقاف به‌دنبال تأسیس مدرسه برای فرزندان خود بودند (ساکما، ۲۸۴۸۲-۲۴۰).

۱۰. دائر شدن مدرسه هندی‌ها در آبادان و مشکلات ادامه فعالیت آن

چند سال بعد از طرح خواسته‌هایی چون رفع ممنوعیت ورود همسران و خانواده کارگران هندی شاغل در خوزستان یا تقاضای تأسیس مدرسه برای دانش‌آموزان هندی در زاهدان، تعداد اطفال هندی در آبادان به اندازه‌ای رسید که شرکت نفت انگلیس و ایران به صورت غیررسمی به افتتاح دبستان خصوصی برای اطفال هندی در شهر آبادان اقدام کرد. اقدامی که بعد از گذشت «چندین سال» با مخالفت دولت ایران مواجه شد. در این باره، وزارت دارایی ایران در نامه‌ای به شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران از این‌که در «طرف این چند سال» اطلاعی درباره دائر کردن مدرسه به دولت ایران داده نشده بود ابراز تعجب کردند (ساکما، ۳۴۹-۲۴۰).

شرکت نفت در مقابل اعتراض دولت ایران تأسیس مدرسه را منکر شد و از کودکان خردسال مخصوص کودکان سه تا شش سال در بهمنشیر سخن گفت. به نوشته مسئولان شرکت نفت، این کودکان برای مدتی به منظور نگهداری «کودکان افزارمندان هندی» تأسیس شده و در زمان نگارش نامه (۱۳۱۸ ش) تعطیل شده بود (همان). گرچه بعدها تحقیقات وزارت امور خارجه مشخص کرد که این کودکان مسئله‌ای جدا از دبستان «هند و انگلیس» است. در یکی از اسناد مرتبط با این موضوع آمده است:

تاریخ تأسیس آن تحقیقاً معلوم نیست، ولی این قسمت محرز است که در حدود چهار پنج سال جریان داشته و مفتوح بوده است؛ دبستان دارای شش کلاس بود و عیناً برنامه مدارس هندوستان در آن تدریس می‌شد. موادی که در آن تدریس می‌شده اردو، عربی، انگلیسی، جغرافی، تمام به طرز آموزشگاه‌های هندوستان، ولی تدریس زبان فارسی در آن نمی‌شده است. مدیر دبستان یک نفر هندی بود (همان).

قطعاً فعالیت این مدرسه و حضور هرروزه کودکان و عده‌ای معلم در محلی خاص از دید شهربانی رضا شاه در آبادان پنهان نبود. در هر حال، شرکت نفت انگلیس و ایران پی‌گیر بازگشایی این مدرسه بود، از این رو، در تماس مکرر با اداره فرهنگ و اوقاف خوزستان خواهان مشخص شدن علت تعطیلی مدرسه و رفع موانع بازگشایی آن شد (همان). رئیس باشگاه هندی‌ها نیز، که انگلیسی بود، با مراجعه به اداره فرهنگ و اوقاف خوزستان برای بازگشایی این مدرسه تلاش کرد (همان).

۱۱. حضور قابل توجه کارگران و صنعت‌گران هندی در پالایشگاه نفت آبادان

با آغاز عملیات ساخت و ساز تأسیسات پالایشگاه نفت آبادان و راه‌سازی مرتبط با نفت در خوزستان چند شرکت بریتانیایی - هندی در هندوستان به تأمین کارگر و نیروی فنی و کارمند اداری مورد نیاز شرکت نفت ایران و انگلیس مشغول شدند. از جمله کارگران ایرانی که به استخدام پالایشگاه آبادان درآمدند عده‌ای بنا و نجار بودند. در بقیه قسمت‌های فنی و غیرفنی حتی پیش‌خدمت‌ها و آشپزها نیز هندی بودند (اتابکی ۱۳۹۵: ۱۵). اداره سیستم خطوط ارتباطی نیز برعهده هندی‌ها بود که از این طریق چگونگی حرکت و فشار نفت از تمبی (tembi)^۴ مسجدسلیمان به ایستگاه بعدی گزارش داده می‌شد (حسن‌نیا ۱۳۹۴: ۲۷۷).

کارمندان اداری و دفتری هندی ویژگی‌هایی داشتند که باعث رجحان آنان بر ایرانی‌ها و در برخی موارد حتی انگلیسی‌ها می‌شد. از جمله این ویژگی‌ها تسلط آنان به زبان انگلیسی بود که در نتیجه آن احتیاجی به مترجم و واسطه برای انتقال دستورات کارفرمایان انگلیسی نبود و کارفرمایان در ارتباط مستقیم با مرئوسان و زیردستان خود بودند. گذشته از آشنایی کارفرمایان انگلیسی با خلق و خوی هندی‌ها، نداشتن منافع ملی و میهنی هندی‌ها در ایران نکته مهم دیگری بود که باعث می‌شد در مقایسه با کارگران ایرانی کار مقامات شرکت نفت در برخورد با کارگران و اخراج آنان سهل‌تر و بی‌دردس‌تر باشد؛ مزیت دیگر استخدام هندی‌ها سطح توقع پایین آن‌ها بود که هزینه کم‌تری برای شرکت نفت داشت (ویلسون ۱۳۹۴: ۱۷۰).

باتوجه به ویژگی‌های اشاره شده، تعداد کارگران هندی در پایان عملیات ساخت پالایشگاه نفت آبادان به هزار نفر رسید (اتابکی ۱۳۹۵: ۱۷). با راه‌اندازی پالایشگاه نفت آبادان، مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران بیش از گذشته به کارگران ماهر هندی احتیاج پیدا کردند. شرکت نفت به دنبال استخدام کارگران ماهر در مشاغلی مانند «پرچ‌کوبی، رانندگی، مکانیکی، مونتاژ، ریخته‌گری آهن و برنج، و قالب‌سازی» بود (همان: ۱۸)، اما در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسید که قوانین مهاجرت هندوستان موانعی برای اشتغال و مهاجرت این کارگران ایجاد می‌کند؛ از این رو، شرکت نفت انگلیس و ایران برای حل مشکل قوانین مهاجرت با حکومت هند مذاکره کرد. از نکات جالب در پاسخ حکومت هند به اعتراض شرکت نفت انگلیس و ایران آن بود که بیان شد مانع عمده حضور کارگران ماهر هندی در صنایع نفت خلیج فارس نه قوانین مهاجرتی، بلکه هزینه بالای زندگی در این مناطق است که سبب بی‌میلی صنعت‌گران هندی برای کار در این مناطق می‌شود (همان: ۱۹).

به کارگیری کارگران هندی در صنعت نفت برای بریتانیا به قدری مهم بود که با آغاز جنگ جهانی اول ارتش و درياداری بریتانیا استخدام کارگران ماهر هندی با سابقه اشتغال در شرکت نفت انگلیس و ایران را منع کرد. با این حال، کارگران هندی به علت «مشکلات ناشی از جنگ، گرانی مخارج زندگی، و شیوه اجباری کار» (همان: ۲۱) این ممنوعیت را نادیده گرفتند و به هندوستان بازگشتند تا به استخدام ارتش بریتانیا دریايند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که شماری از این کارگران از طریق نامه‌نگاری با دوستان و بستگان خود در هند به آنان توصیه می‌کردند که به استخدام شرکت نفت انگلیس و ایران دریايند (همان: ۲۰).

۱۲. تنوع قومی و مذهبی کارگران هندی صنعت نفت ایران

کارگران هندی از مناطق مختلف هند و با مذاهب و ادیان گوناگون در شرکت نفت انگلیس و ایران مشغول به کار بودند. از جمله این گروه‌های قومی و مذهبی عبارت‌اند از رنگونی‌های سنی مذهب شاغل در ساخت پالایشگاه آبادان، کارگران سنی مذهب اهل چیتاگونگ شاغل در بخش مهندسی بندرگاه و حمل و نقل دریایی، سیک‌های پنجابی شاغل در بخش رانندگی و مشاغل تکنسین و مأمور امنیتی، اهالی مدرس شاغل در کارهای دفتری، و گازارهای مسلمان پنجابی برای رخت‌شویی (همان: ۲۱).

۱۳. ایجاد فاصله هندی‌ها با دیگر گروه‌های شاغل در صنعت نفت

در عملیات احداث تأسیسات نفتی و ساخت پالایشگاه آبادان با مدیریت بریتانیایی‌ها سه گروه عمده حضور داشتند: کارفرمایان و متخصصان انگلیسی، کارگران و کارمندان دفتری هندی، و کارگران ایرانی. مسئولان و مدیران عالی‌رتبه و بریتانیایی تبار شرکت نفت انگلیس و ایران، بنابر رویه دیرینه استعماری بریتانیا، بر رعایت فاصله بین این سه گروه اصرار و تأکید داشتند. برابری و تناسبی در خصوص امکانات رفاهی یا میزان حقوق و اجرای نظم و نظام اداری بین این سه گروه حاکم نبود. گرچه هندی‌ها در مقایسه با بریتانیایی‌ها در رتبه پایین‌تری قرار داشتند، اما هنوز از بسیاری جهات در موقعیتی برتر از ایرانیان بودند. برای نمونه، در ۱۹۲۹ م/ ۱۳۰۷-۱۳۰۸ ش کارگر ماهر ایرانی چهارده تا بیست تومان دست‌مزد می‌گرفت، اما در این سال مدیران و کارمندان انگلیسی از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان دریافتی داشتند؛ در این زمان کارگران و کارمندان هندی قطعاً مبلغی بیش‌تر از

کارگران ایرانی دریافتی داشتند (فلور ۱۳۷۱: ۱۳۶). این قبیل تبعیض‌ها و تفاوت‌ها باعث بروز واکنش و خشم کارگران ایرانی می‌شد.

به موازات تلاش انگلیسی‌ها برای حفظ فاصله و مرزبندی هندی‌ها با ایرانی‌ها آن‌ها بر آن بودند تا فاصله گروه هندی‌ها با انگلیسی‌ها هم در بسیاری از امور حفظ شود. برای مثال، در بحث استفاده از کتابخانه کمپانی برای کارکنان هندی ترجیح مسئولان بریتانیایی بر این بود که کتابخانه‌ای از کتاب‌های اضافی و کهنه برای این کارگران ایجاد شود تا اعضای انگلیسی از عضویت آنان دل‌چرکین نشوند (www.historiae.org/abadan.asp p 9). هم‌چنین، هندی‌ها بیمارستانی جدا داشتند که از نظر کیفیت از بیمارستان انگلیسی‌ها پایین‌تر بود. با این حال، بیمارستان هندی‌ها در مقایسه با بیمارستان کارگران ایرانی وضعیت و تجهیزات بهتری داشت (ibid).

در برخی موارد کارمندان دفتری هندی بر کارگران ایرانی برتری پیدا می‌کردند و گاه‌گاه اجازه حضور در محافل بریتانیایی‌ها را می‌یافتند. برای نمونه، در یک برنامه بازدید از ناو جنگی بریتانیا کارمندان دفتری هندی به همراه اعضای اروپایی برای شرکت در این مراسم دعوت شدند (ibid). برخی مسئولان شرکت نفت دلایل و زمینه‌های این قبیل اقدامات جداسازی گروه‌های شاغل در صنعت نفت را به سیاست دولت ایران مرتبط می‌کردند و این‌گونه اظهار می‌داشتند که مسئولان ایرانی علاقه‌ای به «نزدیکی و هم‌بستگی فرهنگی بین نیروی کار» ندارند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۱).

۱۴. تداوم رویه به کارگیری هندی‌ها در صنعت نفت بعد از لغو قرارداد داریسی

به دنبال اقدام رضا شاه پهلوی در لغو قرارداد داریسی در ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م قرارداد جدیدی در سال ۱۹۳۳ م بین ایران و بریتانیا منعقد شد. شیوه استخدام کارگران براساس ماده شانزدهم این قرارداد تغییر کرد. ماده شانزدهم چهار بند داشت که بند دوم به انتخاب «صنعت‌گران و مستخدمین فنی و تجاری» از بین اتباع خارجی و استخدام «مستخدمین غیرفنی» از بین اتباع ایرانی مربوط می‌شد. بند دیگر این ماده به موضوع طرح تقلیل «مستخدمین غیرایرانی» و افزایش تصاعدی شمار کارکنان ایرانی در «کوتاه‌ترین مدت ممکن» اختصاص داشت. مندرجات بند چهارم شرکت نفت انگلیس و ایران را ملزم به پرداخت مبلغ دو هزار لیره استرلینگ برای آموزش اتباع ایرانی در رشته‌های مرتبط با صنعت نفت در بریتانیا می‌کرد (نفت در دوره رضا شاه ۱۳۷۸: ۴۲۷).

با گذر زمان مشخص شد که این ماده نیز همانند قرارداد داری نادیده گرفته می‌شود. در همان آغاز امضای قرارداد به وزارت مالیه گزارش داده شد که «چهارصد نفر هندی» به استخدام شرکت نفت درآمده‌اند (ساکما، ۲۴۸-۲۴۰). در بخشی از جوابیه تکراری شرکت نفت به اعتراض دولت ایران آمده است: «استخدام خارجی‌ها در مواقعی که شرکت نقشه ساختمانی وسیعی در جلو دارد یا در مواردی که برای عملیات مؤسسات خود محتاج به استخدام است، در صورت فقدان کارگر ماهر ایرانی، ممکن است گاه‌گاه اتفاق بیفتد» (ساکما، ۴۶۷۶-۲۴۰).

عبارت «گاه‌گاه» در جوابیه شرکت نفت معنایی متفاوت داشت و برخلاف انتظار امری دائم در رویه کاری شرکت نفت بود. شرکت نفت انگلیس و ایران به دنبال راه کارهای مختلف برای استخدام کارگران هندی به جای کارگران ایرانی بود. برای نمونه، رئیس اداره کارگزینی شرکت نفت انگلیس و ایران در بمبئی در ۱۳۱۶ ش به انتشار اعلانی در روزنامه‌های بمبئی اقدام کرد. در این اعلانات از ایرانیان ساکن هندوستان برای استخدام در شرکت نفت ایران و انگلیس دعوت به عمل می‌آمد. انتشار این اطلاعیه باعث هجوم بسیاری از هندی‌ها به کنسولگری ایران در بمبئی شد. این مراجعان پرشمار، با ادعای ایرانی‌نژاد بودن، خواهان دریافت گذرنامه ایرانی و استخدام در شرکت نفت بودند (ساکما، ۴۶۷۶-۲۴۰).

مدتی بعد از انتشار اعلامیه‌های استخدام در شرکت نفت، سفارت ایران در دهلی با ارسال گزارشی به وزارت خارجه ایران اعلام کرد که تعداد زیادی از هندی‌ها به کنسولگری بمبئی مراجعه کرده‌اند و ادعای تابعیت ایرانی دارند. در بخشی از این گزارش آمده است:

... هر روز گرفتار جماعتی از این گروه هستیم که همه خود را ایرانی‌نژاد و بعضی هم از کثرت ولع دخول در خدمت نفت خود را از احفاد امام زین‌العابدین ... قلم داده و آن حضرت را هم ایرانی می‌دانند ... (همان).

کارگران هندی‌ای که با این شیوه به استخدام شرکت درمی‌آمدند کاملاً از حیث حقوق و مزایا با کارگران ایرانی متفاوت بودند (همان). این امر در اوضاع و احوالی صورت می‌گرفت که کارگران ایرانی با بهانه‌هایی چون مشکل نظام وظیفه یا بالا بودن سن از استخدام در شرکت نفت بازمی‌ماندند. در این زمان، استخدام «یکی دو نفر از ارامنه ایرانی» (همان) از شگردها و راه‌حل‌های شرکت نفت برای تظاهر به رعایت مندرجات قرارداد و متعهدماندن شرکت به اجرای بند شانزدهم قرارداد جدید بود.

تخلفات اشاره شده شرکت نفت در جذب کارگران هندی در حالی روی می داد که اداره گمرک بندر محمره وظیفه داشت تعداد کارگران هندی را به دولت گزارش دهد؛ حتی برای نظارت دقیق تر مأموری از اداره اطلاعات نیز در گمرک خرمشهر حاضر می شد، اما به نظر می رسد یگانه مرجع اطلاع دقیق برای محاسبه و اعلام شمار کارگران هندی مسئولان خود کمپانی بودند، زیرا بسیاری از این کارگران از بنادر و مجاری دیگر به غیر از بندر خرمشهر وارد ایران می شدند. این ناکامی امری است که خود دولت ایران آن روزگار نیز به آن معترف بود (ساکما، ۲۲۵۵۰-۲۴۰).

با آغاز جنگ جهانی دوم و بروز مسئله احتیاج روزافزون به نفت تقاضا برای به کارگیری کارگران هندی در شرکت نفت، به منظور بالابردن ظرفیت تولید، رو به افزایش گذاشت. به این ترتیب، مسئله حضور هندی ها در شرکت نفت به شکل سابق بازگشت. به گونه ای که، تعداد کارگران هندی در برخی گزارش های رسمی به عدد ۲۴۹۸ نفر رسیده است (اتابکی ۱۳۹۵: ۲۶).

۱۵. نتیجه گیری

ارتباط ایرانی ها و هندی ها با یکدیگر و حضور آنان به قصد کار یا مهاجرت در سرزمین های هم دیگر سابقه ای طولانی دارد. حضور هندی ها در ایران زمین در اواخر قاجاریه و عهد پهلوی اول متأثر از کشف و استخراج نفت در ایران و فعالیت انگلیسی ها در استخراج نفت و ایجاد تأسیسات نفتی چون پالایشگاه آبادان در مناطق جنوب ایران است. به واسطه سیاست انگلیسی ها در به کارگیری نیروی هندی در عملیات استخراج نفت و اداره صنایع نفتی ایران شمار درخور توجهی از هندی ها به ایران آمدند و در مناطقی چون خوزستان مشغول کار شدند. انگلیسی ها که در این ایام بر هند حکمرانی داشتند با ترندهای مختلف رویه به کارگیری هندی ها را مستمر نگه داشتند و به گونه ای اعتراض های گاه گاه مسئولان ایرانی را رفع می کردند. هندی ها در ایام اشتغال در صنایع نفتی ایران با گرفتاری ها و تبعیض های متفاوتی روبه رو بودند. افزون بر مخالفت گاه گاه ایرانی ها با هندی ها، انگلیسی ها هم تبعیض های چندی را به این اقلیت روا می داشتند.

با ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۳۳۰ ش) و خارج شدن انگلیسی ها از مسئولیت اداره شرکت نفت انگلیس و ایران تداوم حضور هندی ها در ایران سخت تر شد و بسیاری از آن ها به موطن خود بازگشتند. در چند دهه پیش از ملی شدن صنعت نفت هندی ها در سمت

کارگر، پیش خدمت، و کارمند صنعت نفت در جنوب ایران حضور داشتند و کمابیش جایگاهی بین مردم برخی شهرها چون آبادان پیدا کرده بودند. بعد از ملی شدن صنعت نفت، گرچه از تعداد هندی‌ها در شرکت نفت کاسته شد، برخی از مهاجران هندی مقیم جنوب ایران هم چنان در ایران ماندگار شدند و به کسب و کارهای دیگر روی آوردند. شماری از این قبیل هندی‌ها افرادی بودند که بعد از ملی شدن صنعت نفت، با کسب موافقت مجلس شورای ملی، توانستند اجازه اقامت در ایران بگیرند (اتابکی ۱۳۹۵: ۳۸).

به واسطه حضور چنددهه‌ای شمار درخور توجهی از هندی‌ها در جنوب ایران دادوستدهای فرهنگی و تمدنی ایرانیان و هندیان را در برخی شهرهای خوزستان شاهدیم. آن‌ها به تدریج به اقلیت قومی مشخص و اثرگذاری در جنوب ایران تبدیل شدند. یکی از نشانه‌های بارز این امر آن است که بعضی از واژگان هندی به زبان فارسی راه یافته‌اند. از دیگر شواهد حضور طولانی هندی‌ها در خوزستان حفظ اسامی و آثار برخی اماکن و بناهای بازمانده از آن روزگار در شهرهایی چون آبادان و خرمشهر است. از این میان، می‌توان به مواردی چون محله هندی‌ها، باشگاه و رستوران هندی‌ها، سینما، بازار، و مکان‌های دینی آن‌ها چون مسجد رنگونی‌ها اشاره کرد. حفظ این قبیل اسامی و آثار در خوزستان گویای آن است که بعد از گذشت مدت‌ها از حضور هندی‌ها در این منطقه دیگر آن‌ها قومی کاملاً غریب نبودند و تاحدی بستر تلفیق فرهنگی و نژادی و زبانی هندی‌ها با ایرانیان در شهرهایی چون آبادان هموارتر شده بود.





تصاویر برگرفته از سایت www.petrophoto.ir

پی‌نوشت‌ها

۱. در ۱۹۰۷ م به‌علت نارضایتی از پزشک هندی دکتر ام. وان. یانگ جانشین او شد که درکنار طبابت امور اطلاعاتی را هم انجام می‌داد (حسن‌نیا ۱۳۹۴: ۱۹۹).
۲. نام میدان نفتون در ۱۳۰۵ ش به مسجدسلیمان تغییر یافت.
۳. بر وزن پولی به‌معنای کارگر؛ خود انگلیسی‌ها هم کولی (coolie) می‌گفتند (کعبی فلاحیه، ۱۳۹۵: ۲۱۸).
۴. روستایی در چهار کیلومتری مسجدسلیمان.

کتاب‌نامه

- ابطحی، علیرضا (۱۳۸۴)، *نفت و بختیاری‌ها*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- اتابکی، تورج (۱۳۹۰)، «مهمانان ناراضی: فرودستان ایران در حاشیه‌های امپراتوری تزاری»، در: *دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران*، ترجمه آرش عزیز، تهران: ققنوس.
- اتابکی، تورج (۱۳۹۵)، «دور از دیار، در دیاری نو»، فصل‌نامه مردم‌نامه، ترجمه شهرام غلامی، ش ۱.
- بازماندگان خمیری، احمد (۱۳۹۰)، «بندر عباسی در دوره صفوی براساس سفرنامه‌های اروپایی»، پژوهش‌نامه خلیج فارس، دفتر سوم.

کارگران هندی صنعت نفت ایران در اواخر قاجاریه و دوران پهلوی اول ۳۳۱

برلز، اچ. تی. (۱۳۹۵)، گزارش‌های بر میدان نفتی ذهاب (چیاسرخ)، ترجمه عبدالرضا مقدسی، تهران: موزه‌ها و اسناد صنعت نفت ایران.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۸۸)، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

بیات، کاوه (۱۳۹۰)، «درکنار یا برکنار از کارگران ایران: آبادان اردیبهشت ۱۳۰۸»، در: دولت و فرودستان: فراز و فرود تجدد آمرانه در ترکیه و ایران، به‌کوشش تورج اتابکی، ترجمه آرش عزیزی، تهران: ققنوس.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست، ج ۲، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حبل‌المتین (۱۳۲۳)، ش ۳، ۱۱ رجب.

حسن‌نیا، محمد (۱۳۹۴)، تاریخ نفت ایران ۱۹۰۱-۱۹۱۴، تهران: امیرکبیر.

حسینی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، وقایع‌السنین و الاعوام، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). ۸۸۰۹۳-۲۴۰؛ ۱۷۵۳۱-۲۴۰؛ ۲۸۴۸۲-۲۴۰؛ ۳۴۹-۲۴۰؛ ۲۴۸-۲۴۰؛ ۴۶۷۶-۲۴۰؛ ۲۲۵۵۰-۲۴۰.

سیلوا ای فیگروا، گارسیا د (۱۳۶۳)، سفرنامه دن گارسیا د سیلوا فیگوروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.

شفیق سرخ (۱۳۰۱)، ش ۴۱، ۶ سرطان.

شفیق سرخ (۱۳۰۷)، «معامله شرکت نفت جنوب با کارگران»، ش ۸، ۱۰۵۷ مهر.

عباس شهنی، دانش (۱۳۷۴)، تاریخ مسجد سلیمان، تهران: هیرمند.

فلور، ویلم (۱۳۷۱)، اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران: ۱۹۰۰-۱۹۴۱، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.

فلور، ویلم (۱۳۹۶)، «شروع روزگار مدرن آبادان»، بازگویی آبادان، <<http://www.abadan.wiki/fa/309-2>>.

کعبی فلاحیه، احمد (۱۳۹۳)، واژگان هندی در گویش مردم آبادان، تهران: اندیشه فردا.

کعبی فلاحیه، احمد (۱۳۹۵)، واژگان هندی در گویش بومی خوزستان، تهران: مؤلف.

کعبی فلاحیه، احمد (۱۳۹۵)، «مسجد رنگونی‌ها: نماد معماری هندی در شهر آبادان»، موزه اسناد و صنعت نفت ایران، <www.petromuseum.ir>.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.

معتقدی، ربابه، محمدمیر شیخ نوری، و تورج اتابکی (۱۳۹۲)، «صنعت نفت و تحول جمعیتی و شغلی در مناطق نفت‌خیز جنوب ایران»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۲.

موحد، محمدعلی (۱۳۹۴)، خواب آشفته نفت: از قرارداد داری تا سقوط رضا شاه، تهران: کارنامه.

۳۳۲ تحقیقات تاریخ/اجتماعی، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، *مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۴-۱۳۲۶*، تهران: مازیار.
نفت چپاسرخ کرمانشاه: منتخبی از اسناد حکومتی عبدالحسین میرزا فرمانفرما (۱۳۹۴)، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، اسماعیل شمس، سعید روحی، تهران: نشر تاریخ ایران.
نفت در دوره رضا شاه: اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (۱۳۷۸)، تهیه و تنظیم اداره کل آرشیو اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
نوروزی، جمشید و شهرام رضانی (۱۳۹۴)، «نقش بانیان و تجار هندی در اقتصاد ایران عصر صفوی»، *مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام*، ش ۲۱.
ویلسون، آرنولد تالبوت (۱۳۹۴)، *سفرنامه ویلسون در جنوب غربی ایران*، ترجمه و توضیحات علی محمد ساکی، به کوشش فریبرز ساکی مهر، خرم‌آباد: شاپورخواست.
یعقوبی نژاد، علی (۱۳۷۳)، *رئیس نفت*، تهران: یادواره کتاب.

Political Diaries of the Arab World: Persian Gulf 1904-1965 (1990-1998), vol. 4, 5, England: Redwood Press Ltd.

www.petrophoto.ir

British Petroleum Archive (1931), "Abadan in its Early Days", *Naft* 7, ARC 176326, George Thomson, no. 4, July.

British National Archive Fo 460/3 (1909), Mohammerah, November 3.

British National Archive Fo 460/3 (1911), Mohammerah, March 29.

www.historiae.org/abadan.as